

کتاب الاضنام

(تَنكِيسُ الْأَصْنَامِ)

تاریخ پرستش تازیان پیش از پدیدۀ اسلام

تالیف:

هشام کلبی متوفی به سال ۲۰۴ هجری قمری

بامقدمه و حواشی و تکمله همراه با متن عربی کتاب

ترجمۀ

سید محمد رضا جلالی نائینی

عضو انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی

چاپ تابان

سال ۱۳۴۸ هجری شمسی

زندگانی و آثار هشام کلبی

ابومنذر هشام پسر ابوالنضر محمد پسر سائب ، پسر بشر ، پسر عمر و کلبی ، منسوب به قبیله «کلب» ، مشهور به «ابن کلبی» از مهین نسابه های معروف و از بزرگان علمای تاریخ و جغرافیا و ادب در سده دوم و اول قرن سوم هجری است (۱) .

این دانشمند از اواخر نیمه اول سده دوم هجری تا سال ۲۰۴ (و به روایت دیگر سنه ۲۰۶) که سال وفاتش میباشد ، در میان ارباب حکم و علم معروف و شاخص بود - خاصه در علم انساب سرآمد دانایان عصر خویش بشمار میرفت .

(۱) محمد پسر سعد معروف به کاتب و اقدی در کتاب: «الطبقات الکبری» نسب محمد پسر سائب پدر هشام را از زبان خود هشام شنیده و آنرا چنین ضبط و نقل کرده است :

«محمد بن سائب، الکلبی بن بشر بن عمرو بن الحارث بن عبد الحارث بن عبدالعزی بن امری القیس بن عامر بن النعمان بن عامر بن عبود بن کنانة بن عوف بن عذرة بن زید اللات بن رفیده بن ثور ابن کلب» .

بیشتر افراد خانواده او مردمان دین و اهل علم و ادب بودند. خود او علامه‌ای بنام، و حافظی بزرگ و اخباری کم نظیر بود، و در موضوعات مختلف، صاحب تألیف است. احوال و آثار این دانشمند در دو فصل جداگانه، یکی زندگانی، و دودیکر آثار او بنحو اجمال در اینجا مورد بحث و پژوهش واقع میشود:

فصل اول

خانواده کلبی

زندگانی هشام کلبی

محمد پسر سائب پدر هشام

محمد پدر هشام از بزرگان علمای اسلام است و در علم تفسیر قرآن، و انساب تازیان تبحر و شهرتی بسزا داشت. غالب افراد خانواده کلبی از هواداران خاندان علی، و از دشمنان خانواده «بنی امیه» بودند، و از این رو با کسانی که با بنی امیه پیکار میکردند، همداستان و همراه می شدند. بشر پسر عمرو با سه پسرش: سائب، و عبید، و عبدالرحمن، در دو جنگ: «جمل» و «صفین» جزو سپاهیان امیر المؤمنین علی - علیه السلام - بودند. سائب پسر بشر بطرفدار میمصعب زبیر برخاست، و در

جنگی که میان «مصعب» پسر «زبیر» با «عبدالملك» پسر «مروان» روی داد، کشته شد (۱). سائب دو پسر داشت، یکی: سفیان، و دو دیگر محمد. محمد نوۀ دختری ابوموسی اشعری است که مدتی حاکم کوفه بود و در قضیۀ حکمین عمروعاص عیارانه او را فریب داد. (۲)

محمد در جنگ: «دیر جماجم» که میان «حجاج» پسر یوسف ثقفی، و عبدالرحمن، پسر محمد، پسر اشعث در سال ۸۲ هجری در گرفت، شرکت جست، و به یاری عبدالرحمن شتافت (۳).

محمد در عهد امویان مدت طولیلی زندگی کرد، و عصر ابوالعباس عبدالله سفاح و ابوجعفر عبدالله منصور عباسی را نیز درک کرد.

محمد به درخواست سلیمان پسر علی عباسی (۴)

(۱) پسرورقاء نخعی، از مخالفان خاندان کلبی، درباره کشته شدن سائب چنین سروده است:

من مبلغ عنی عبیداً بانسی
فان كنت تبغی العلم عنه فانه
وعمداً علوت الراس منه بصارم

(۲) فتوح البلدان ۴۳۱

(۳) بنگرید تاریخ طبری ۱۴/۲ و

J. Wellhausen, das Arab. Reich 153

A. Müller, der Islam I, 281

(۴) سلیمان پسر علی پسر عبدالله پسر عباس، متولد سال ←

که از جانب سفاح - در بصره و نواحی آن حکومت میکرد، از کوفه به بصره آمد و مدتی در بصره بود و سپس به کوفه باز آمد. در بصره سلیمان او را بگرمی پذیره شد و در خانه خویش نشانید و محمد حلقه درسی ترتیب داد و به املاء تفسیر قرآن پرداخت، تا به آیتی از سوره براءة رسید و آن آیت را برخلاف آنچه مشهور بود تفسیر کرد، (شاگردان) گفتند ما این تفسیر را ننویسیم، محمد گفت: به خدا سوگند يك کلمه دیگر تفسیر نخواهم کرد مگر آن تفسیر را همچنان که خدا نازل فرموده است، بنویسید. ماجری را به سلیمان پسر علی گفتند، وی گفت: هر آنچه او گوید، بنویسید، و جز آنرا رها کنید (۱).

کتاب تفسیر قرآن او معروف و مشهور بوده و بعضی از علمای علم تفسیر و مورخین مطالبی از آن اقتباس کرده اند، از آنمیان «ثعلبی» متوفی بسال ۴۲۷ هجری

→
۸۲ و متوفی بسال ۱۴۲ هجری، در سال ۱۳۳ از جانب سفاح بحکومت بصره و نواحی آن منصوب شد و تا سال ۱۳۹ که منصور او را برکنار ساخت در بصره حکومت و امارت داشت و پس از برکناری از امارت هم در آن شهر بود تا در سال ۱۴۲ درگذشت. بنابراین عزیمت محمد از کوفه به بصره بین سالهای ۱۳۳ و ۱۳۹ میتواند باشد. مدت اقامت محمد در بصره روشن نیست.

(۱) الفهرست ۹۵.

در تفسیر خود از تفسیر محمد پسر سائب استفاده کرده است^(۱). همچنین پسر عساکر در تاریخ خود قصه ابراهیم خلیل را از آن تفسیر گرفته است^(۲).

صفدی به نقل از پسر عدی مینویسد در میان کسانی که در سده دوم قرآن را تفسیر کرده اند هیچکس را تفسیری بزرگتر از تفسیر محمد بن سائب نبوده است^(۳).

هر چند این دانشمند از مفسران نامی قرآن بشمار میرود، و ابن ندیم، و دیگر مصنفان تراجم رجال علم و ادب اثر مدون او را همان تفسیر قرآن ذکر کرده اند، اما بیشتر شهرتش در اثر توجه خاص او به جمع اخبار مربوط به انساب عرب جاهلی و تاریخ ایشان میباشد.

ابن ندیم از قول هشام پسر محمد کلبی چنین روایت

میکند:

«پدرم به من گفت: نسب قریش را از ابوصالح فرا گرفتم، و او آنرا از عقیل پسر ابوطالب آموخته بود. و نسب کنده را از ابوکناس کندی آموختم که دانایتر از هر کسی به آن بود، و نسب معد پسر عدنان را از نجار پسر اوس عدوی فرا گرفتم که محفوظاتش بیش از هر کسی

(۱-۲) مراجعه شود به فهرست بریتش موزیم ۱/۸۲۱، و تاریخ

ابن عساکر (تهذیب تاریخ ابن عساکر) ۱۳۸/۲.

(۳) الوافی بالوفیات ۸۳۳

بود که من دیده و شنیده بودم، و نسب ایاد را از عدی پسر زیاد ازدی یاد گرفتم که به ایاد دانا بود. «(۱)» .

محمد راهنما و مربی و مشوق هشام پسر خود در آموختن علم تاریخ و جغرافیا و انساب تازیان است. راهی را که محمد در امر دانش و تحقیق در نسب و مثالب و وقایع عرب پیش گرفته بود، هشام دنبال کرد، و در این راه سلسله جنبان نسابه‌ها و مورخان دوره های بعد شد.

ابن کثیر در: «اللباب فی تهذیب الانساب» و همچنین قاضی «ابن خلکان» در «وفیات الاعیان» محمد پسر سائب را از اصحاب عبدالله پسر سبا بشمار آورده اند، ولی درمآخذ نزدیک به عصر او، به چنین مطلبی بر نمیخوریم و معلوم نیست این نسبت به محمد پسر سائب درست باشد؛ زیرا محمد پسر سعد که معاصر او بوده است به چنین امری اشاره نکرده و از این مقوله سخنی بمیان نیاورده است، و از این گذشته او را در نقل حدیث «ثقه» دانسته و بعلاوه «سفیان ثوری» و محمد پسر اسحق مؤلف کتاب سیره پیامبر از محمد حدیث نقل میکنند؛ بنا بر این محمد بن سائب را نمیتوان از فرقه «سبئیه» که از غلات شیعه و معتقد به الوهیت حضرت علی بن ابیطالب بودند، محسوب داشت.

علت اینکه غالب محدثین اهل سنت و جماعت محمد را در نقل حدیث ضعیف میدانند، ظاهراً یکی این است که او نسابه و راویه بوده، و محدثین چنانکه خواهد آمد «اخباریون» و «نسابان» را افسانه گو میخواندند، و دیگر اینکه او و غالب افراد خانواده کلبی به علی و فرزندان آن امام همام احترام خاص میگذاشتند و به مفهوم آن زمان متشیع بودند و همین تمایل آنها به خاندان علی و اخباری بودن آنان بیشتر موجب شده است که اهل سنت و جماعت محمد و هشام را از زمره ثقات محدثین محسوب ندارند.



جمع آوری اخبار و وقایع دوره جاهلیت

پس از آنکه علمای اسلام توجه خود را بجمع اخبار و وقایع و انساب عرب جاهلی معطوف داشتند و کار بحث و پژوهش در باره ایام بنام عرب و سلاطین و چگونگی زندگی ایشان در زمان باستان نیرو گرفت، گوی فضیلت را در حفظ اینگونه اخبار و آثار محمد پسر سائب و پسرش هشام ربوند و مورخان متقدم و تاریخ نویسان متأخر بزرگ که در باره عرب دوره جاهلیت و وقایع و مثالب و ایام تازیان

ببخت و پژوهش پرداخته اند، تقریباً بدون استثناء اخبار خود را از محمد بن سائب و هشام کلبی نقل کرده اند و کتب تاریخ و سیر و مغازی پر از نوشته های منقول از آن دو میباشد.

محمد پسر سائب ظاهراً در اواخر نیمه اول یا اوایل نیمه دوم سده اول در کوفه به دنیا آمده است، وی در سال ۸۲ هجری در جنگ «دیر جماجم» شرکت کرده و عاده در این هنگام سنش بین ۲۰ و ۳۰ سال بوده است.

در زمان او هنوز در معابد حیره نقوش و آثاری از عرب پیش از اسلام وجود داشته و او آنها را خوانده و اطلاعات بسیار نفیسی از گوشه و کنار آن به دست آورده که هر چند در انظار معاصرین وی بیقدر و موهون می بود، ولی تحقیقات و کشفیات جدید صحت آنرا تأیید کرده است.

محمد در سال ۱۴۶ در زمان خلافت ابو جعفر منصور در کوفه وفات یافت. وی عمری دراز داشته و از معاصرین امام جعفر صادق - علیه السلام - بوده است.

او از شعبی و ابی صالح بازام، و اصبح پسر نباته و طائفه دیگر حدیث نقل می نماید.

صاحب تاریخ یعقوبی (ابن واضح)، محمد بن سائب

را جزو فقهاء ایام منصور بشمار آورده است .
سفیان ثوری و محمد پسر اسحاق و هشام و غیر آنها
از او حدیث نقل کرده اند .



تولد و نشو و نماى هشام

هشام پسر محمد در کوفه به دنیا آمد و در همان شهر
رشد و نمایافت و نزد پدرش و دیگر دانشمندان مانند خلیفه بن
خیاط، و محمد بن ابی سری، و محمد بن حبیب علم و ادب
بیاموخت و بعدها به بغداد رفت و مدتی در آنجا سکونت گزید،
اما اواخر عمر به زادگاه خویش باز آمد، و همانجا بمرد .
در اواسط ایام حیات هشام، بغداد پایتخت خلافت
عباسی اهمیت خاصی پیدا کرد، و از حیث بسط علم و دانش
بر کوفه و بصره پیشی گرفت .

شاید یکی از جهاتی که هشام اقامت در بغداد را
بر کوفه برتری داده است، این باشد که چون مرکز علم
و دانش اسلامی از بصره و کوفه بتدریج بد بغداد انتقال
یافت، هشام بر آن شد که در پایتخت و مرکز خلافت به
بحث و فحص و کسب علم و افاضه و استفاضه اشتغال جوید
و با علماء و ادباء و اخباریون و نسابه‌های مقیم بغداد آشنا